



شدن خود تشویق کرد. در عین حال به شرکت‌های

عظیم بین‌المللی اسلحه، مواد غذایی و دارویی و غیره این امکان را داد تا با ایجاد قحطی مصنوعی و گرانی ساختگی، استثمار طبقه کارگر را با در ابعاد بی سابقه بگسترانند. سبب معیشت کارگران و زحمتکشان کوچک و کوچکتر می‌شود، فقر گسترش می‌یابد، فحشا، اعتیاد، قتل و درگیری‌های بی پایان، پهنای جامعه را می‌گیرد.

تشدید تورم را می‌توان در واقعیت‌های زیر به خوبی مشاهده کرد.

شاخص قیمت مصرف کننده در: - آلمان؛ در ۳۰ مارس ۲۰۲۲: ۷,۳٪ - بیش از مارس ۲۰۲۱ و ۲,۵٪ بیش از ماه گذشته.

- انگلستان؛ در مارس ۲۰۲۱: ۰,۷٪ و در مارس ۲۰۲۲: ۷٪

- فرانسه؛ در ژانویه ۲۰۲۱: ۰,۵٪ و در مارس ۲۰۲۲: ۵,۱۱٪

- هند؛ در آوریل ۲۰۲۱: ۴,۲۳٪ و در آوریل ۲۰۲۲: ۷٪

این‌ها نمونه‌هایی هستند از تورم افسار گسیخته و مصنوعی در کل جامع بشری.

از قبل این همه مصائب و ستم‌های روز افزون که بر مردم زحمتکش روا می‌گردد، میلیاردها دلار بر سرمایه کنسرن‌های اسلحه ساز، کنسرن‌های محترک بین‌المللی مواد غذایی و کنسرن‌های عظیم بین‌المللی دارو ساز و غیره اضافه گردیده است.

جنگ در اوکراین ادامه خواهد یافت. نتیجه‌ی تا به حال آن علاوه بر مصائب فوق، کشته شدن هزاران اوکراینی و روسی و آوارگی میلیون‌ها اوکراینی در کشورشان و در سطح جهانی است. شهرهای اوکراین به مخروبه‌های

جانیه‌تر و استثمارش غیر قابل تحمل‌تر می‌گردد.

۳- در یک سال اخیر وقایعی در جهان اتفاق افتاده است که از یک جانب توازن نیروهای بزرگ امپریالیستی مثل آمریکا، چین، روسیه و اتحادیه اروپا و ژاپن را مثل پرده سینما در معرض دید طبقه کارگر گذاشت و ماهیت جاه طلبانه، دغلکارانه، فاسد و جیون آن‌ها را به خوبی نمایاند.

مهمترین این وقایع، الف- فرار آمریکا از افغانستان بود که فرتوتی، زبونی و روند افول این ابرقدرت امپریالیستی را به مردم جهان نمایاند، تضاد امپریالیست‌های اروپائی را با آن تشدید کرد، اوضاع مساعد برای امپریالیست چین در خاورمیانه و جهان به وجود آورد و تغییرات ژرفی در مناسبات نیروها در خاورمیانه گردید.

ب- تهاجم امپریالیسم روسیه به اوکراین است. این تهاجم بر پایه دو سیاست طمعکارانه امپریالیستی صورت گرفت. اول- از سال‌های ۱۹۹۰ که اتحاد جماهیر شوروی متلاشی گردید و تا به امروز که روسیه به اقتصاد خود سر و سامانی داده است، همیشه با هدف گسترش نفوذ خود در کشورهای سابق اتحاد شوروی و کسب سرکردگی مجدد بر آن‌ها و گسترش بازارهای بین‌المللی، سیاست بین‌المللی خود را تعیین کرده است. دوم- امپریالیسم آمریکا با هدف محاصره روسیه، نفوذ در آن و تجزیه این کشور امپریالیستی و محاصره تنگاتنگ چین، توسط ناتو، کشورهای سابقاً درون اتحاد شوروی را به انقیاد خود در آورده و بر گسترش ناتو تلاش و کوشش پیگیرانه‌ای را اعمال می‌نماید.

درگیری روسیه و اوکراین، بسیاری از کشورهای اروپائی را به نظامی‌تر

گرامی باد اول ماه مه، روز

جهانی طبقه کارگر

اول ماه مه امسال در شرایطی فرا می‌رسد که آگاهی، انسجام و سازماندهی طبقه کارگر نسبت به سال قبل در سطحی متعالی‌تر، عمیق‌تر و پیروست‌تر قرار دارد.

این تعالی، انسجام و گستردگی آگاهی طبقه کارگر از خودش، از دشمنان رنگارنگ و آینده‌ی تابناک‌اش ناشی از عواملی است که در سطح جامعه جهانی، بر هم اثر می‌گذارند و روند اوضاع را تعیین می‌کنند. این عوامل کدامند:

۱- بازارهای جهان محدود است و حرص و طمع سرمایه‌داری امپریالیستی شده نامحدود. ناشی از این دو معضل متضاد، رقابت درونی کنسرن‌های عظیم بین‌المللی شدت می‌یابد که برای به سر انجام رساندن آن در درجه اول بخش‌هایی از طبقه کارگر را در میادین و جنگ‌های نیابتی قربانی می‌کنند. خانه‌هاشان را بر سرشان آوار می‌کنند و با انواع و اقسام سلاح‌های بیولوژیک، این طبقه و بخش‌های دیگری از مردم زحمتکش و اقشار میانه را دوچار بلایای خانمان سوز می‌نمایند. در جنگ جهانی دوم، هواپیماهای بمب افکن انگلیسی و آمریکائی و فرانسوی، در تهاجم به آلمان مناطق کارگر نشین را در شهرهای صنعتی بمب باران می‌کردند تا با تلف شدن نیروی کار صنایع آلمان تخریب شود.

۲- سرمایه‌داری در طول تاریخ منهوس‌اش گسترش بازارش را همیشه با تشدید استثمار کارگران همراه کرده است. به همین جهت هر سال، هر روز و ساعتی که از عمر سرمایه‌داری می‌گذرد، فشارش بر طبقه کارگر همه

برگشت ناپذیر تبدیل گردیده و کلیه زیرساخت‌های کشور نابود شده‌اند.

بیشترین منافع این درگیری نصیب امپریالیسم آمریکا گردیده و تا کنون صدها میلیارد دلار اسلحه فروخته است. لذا، پوزیدنت بایدن وقتی با پایان جنگ در اوکراین موافقت خواهد کرد که آخرین اوکراینی در این درگیری جان‌اش را از دست داده باشد و آخرین بنیه مالی کشورها به ویژه کشورهای اروپایی صرف خرید اسلحه از آمریکا گردیده باشد

مردم زحمتکش و هوشیار جهان به ویژه کارگران صنعتی و مدرن تمام کشورها با چشم خود دیدند که ابرقدرت‌های امپریالیستی برای منافع خود حاضرند میلیاردها انسان را نابود کنند و خم به ابرو نیاورند. دیدند که پشتیبانان غربی به رهبری آمریکا چقدر ترسو، جبون و خیانت کارند.

پرولتاریای کشورهای همه این‌ها را شاهد بودند و در اثر تجربه فعالیت تا پای جان کمونیست‌ها، دشمنان قسم خورده‌ی خود را بیشتر شناختند و با دوستان با ثبات خود نیز بشتر آشنا شدند.

لذا در امسال صفوف طبقه کارگر در سطح بین‌المللی فشرده‌تر، گسترده‌تر، آگاه‌تر و مصمم‌تر خواهد بود. بورژوازی حاکم بر کشورهای مختلف دیگر قادر نخواهند بود کارگران را مخفیانه به بند بکشند، زندانی کنند، شکنجه نمایند و به قتل برسانند. آگاهی پرولتاریای هر کشور، از سرنوشت و فعالیت‌های هم طبقه‌ای‌هایش در دیگر کشورها و پشتیبانی بی‌دریغی که نثار هم می‌کنند، جنایات بورژوازی حاکم بر این کشورها را افشا می‌کند و بر دستان‌اش برای جنایات گسترده تا اندازه‌ای محدود مهار می‌زند.

جمیت قادر به کار جهان بر طبق آمار سال ۲۰۰۹ OECD «۳ میلیارد و ششصد میلیون نفر است که نیمی از آن‌ها یعنی یک میلیارد. هشت صد میلیون نفر فعالند.» از این تعداد حدود

۲۰۰ میلیون نفر را غیر زحمتکشان تشکیل می‌دهد. لذا یک میلیارد و ششصد میلیون نفر کارگر هستند که با خانواده‌هاشان بیش از ۵ میلیون نفر از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. این نیروی عظیم، متحرک، فعال، مبارزه و از خود گذشته با وجود اکثریت بودن و مبارزه وقفه ناپذیر هنوز در بند نظام سرمایه‌داری است.

آنچه که هنوز نمی‌گذارد نیروی رزمنده‌ی پرولتاریا تمام و کمال آزاد شود و این رودهای خروشان، در روبیدن نظام سرمایه‌داری از سطح بین‌المللی به سیلی بنیان کن تبدیل شوند، نبود یک انترناسیونال کمونیستی است.

اول ماه مه در ایران

طبقه کارگر ایران یکی از بخش‌های آگاه طبقه کارگر در سطح بین‌المللی است. سه ویژگی برجسته در بین دیگر ویژگی‌های این کشور، چشم‌را می‌زند: ۱- رژیم سرمایه‌داری حاکم بر ایران، هیچ ابزار دیگری غیر از زندان، شکنجه و اعدام برای فرو نشاندن مبارزات و جنبش نیروهای انقلابی و مترقی کشور ندارد. آن هم نیز به علت این که ترس مردم ریخته، کارآمدی خود را تا درصد بالایی از دست داده است. پایه‌های قدرت رژیم ایران از مدت‌ها پیش لرزان گشته است.

۲- طبقه کارگر ایران یکی از ستم‌دیده‌ترین، فقیرترین و تحت پیگردترین بخش‌های طبقه کارگر جهان و یکی از پر جنبش‌ترین و مقاوم‌ترین آن‌هاست. جنبش‌های طبقه کارگر، دیگر زحمتکشان و ازادخواهان مترقی از بعد از جنبش سبز، هیچگاه فقط معیشتی نبوده‌اند. به ویژه هر جنبش کارگری‌یی در همان نطفه‌ی آغازش با دو خواست معیشتی و سیاسی پا به خیابان می‌گذارد و با سرعت با خواست سرنگونی رژیم به اوج می‌رود و با سرعت از پشتیبانی وسیع جنبش معلمان، زنان، دانش‌آموزان و

نیروهای مترقی برخوردار می‌گردد و خود به پشتیبانی آنها می‌رود.

خصوصیت بسیار مثبت و عالی این جنبش‌ها این است که طبقه و اقشار مترقی درگیر با رژیم در تجربه مستقیم و روزانه‌ی خود به ماهیت ایدئولوژی و سیاست‌های رژیم و شکل سازمانی نیروهای مسلح سرکوبگر بیشتر آگاه می‌شوند و با کار بی‌دریغ کمونیست‌ها و تأثیرات جنبش کارگری بین‌المللی در جنبش طبقه کارگر ایران، هر روز بیشتر به چپ متمایل می‌شوند و در هر تظاهرات و اعتراض نوینی شعار ضد سرمایه‌داری بیشتر در آن نمایان می‌گردد.

دقیقاً به علت شرایط ویژه‌ی این دو قطب تضاد است که هر جنبشی سریعاً سراسری می‌شود و درگیری با نیروهای مسلح رژیم احتساب ناپذیر می‌گردد.

رژیم سرمایه‌داری ایران نمی‌تواند بجز با سرکوب، اراغاب و کشتار، مبارزات مردم را بخواباند و آن هم نه با موفقیت کامل. مردم هم دیگر طاقت تحمل استثمار، فقر و مسکنت و بی‌پناهی بیشتر را ندارند و از زندان و شکنجه و اعدام نیز نمی‌ترسند. لذا هر جنبش وسیعی در سال‌های اخیر در این کشور به خون کشیده می‌شود. که در اثر آن پایه‌های رژیم بیشتر می‌لرزد و اراده و آگاهی برای پیشرفت و به دست آوردن سنگرهای جدید در کارگران و مردم انقلابی استوارتر و برزتر می‌گردد.

طبقه کارگر ایران اول ماه مه امسال را در این شرایط جدید بین‌المللی و داخلی، با گستردگی، انسجام و اراده‌ی سترگ‌تری برگزار خواهد کرد. نمونه‌ای از این خواست و اراده را ما در «بیانیه شورای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت به مناسبت فرا رسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر» می‌توانیم دریابیم:

حاکمیت طبقاتی خرده بورژوازی درون آن‌ها از جمهوری اسلامی شکست خوردند و متلاشی شدند. آخرین نمونه آن نیز حزب کمونیست ایران است که در اثر وجود خرده بورژوازی سرسخت در آن، متلاشی و دچار انشعاب گردید.

عدم تشکیل حزب کمونیست راستین ایران نیز تا کنون ناشی از حضور قدرتمند خرده بورژوازی در سازمان‌های تشکیل دهنده جنبش کمونیستی ایران به ویژه در رأس آنان است.

تقابل خرده بورژوازی در درون جنبش کمونیستی علیه مارکسیسم، که با ظاهر مارکسیستی انجام می‌شود، آنچنان بی رحمانه و سبانه است که دولت‌های قدرتمند دیکتاتوری پرولتاریا را نیز می‌تواند سرنگون سازد. مثل کودتای رویزیونیستی در اتحاد شوروی و چین.

وقتی ما مسائل فوق را در چند جای دیگر طرح کردیم بارها به طعنه شنیدیم که گفتند: ما این مسائل را بهتر از شما می‌دانیم و خود بر آن مسلط هستیم. احتیاج به آموزش مجدد نیست. این رفقا و دوستان حق دارند. آن‌ها همه این مطالب را به خوبی از حفظ هستند و شاید هم هزاران بار آن‌ها را در ذهن‌شان بالا و پائین کرده‌اند. فقط اشکال "کوچکی" وجود دارد و آن این است که این دوستان و رفقای دانا، نه تنها دانش خود را در تقابل با خرده بورژوازی به کار نمی‌برند، بلکه خود دارای گرایش‌های شدید خرده بورژوازی هستند، خود عامل ترمز وحدت جنبش کمونیستی‌اند. زیرا زمانی که با ایدئولوژی غیر پرولتاری رو به رو می‌گردند، برای حفظ وحدت چشم خود را بر آن می‌بندند و شتر دیدی ندیدی.

یک نمونه واقعی: زمانی که نظرات انحرافی و رویزیونیستی یکی از افراد مطرح در جنبش کمونیستی در نوشته‌ای به نقد کشیده شد، یک رفیق کمونیست گفت که ما نمی‌توانیم این نوشته را که کاملاً درست و مارکسیستی است در نشریه خود به

دو وظیفه تخطی ناپذیر کمونیست‌ها و مخدوش کردن رابطه دیالکتیکی آن‌ها. این دو وظیفه عبارتند از:

۱- دامن زدن به مبارزه وقفه ناپذیر، خلاق و مثبت ایدئولوژیک علیه کلیه تظاهرات ایدئولوژی خرده بورژوازی در جنبش‌های کمونیستی و دمکراتیک.

۲- ایجاد وسیع‌ترین جبهه متحد از کارگران، زحمتکش‌ان و آزادیخواهان مترقی علیه نظام و ساختار سرمایه‌داری و دولت آن.

ما در زیر هر کدام از این وظائف را تشریح کرده و رابطه دیالکتیک آن‌ها را شرح داده و ارجحیت هر کدام را در مقاطع و شرایط مشخص بررسی خواهیم کرد.

۱- دامن زدن به مبارزه خلاق و مثبت ایدئولوژیک علیه کلیه تظاهرات ایدئولوژی خرده بورژوازی در جنبش‌های کمونیستی و دمکراتیک.

وجود طبقات و مبارزه طبقاتی یک واقعیت جدی‌ست.

موتور حرکت تاریخ، تقابلات طبقاتی است. «تاریخ همه جوامع تا کنون تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است.»^۱ در نتیجه‌ی برآیند تقابلات طبقاتی است که در طول تاریخ چند هزار ساله‌ی حضور طبقات، دولت‌ها یکی پس از دیگری سرنگون شده‌اند، ساختارهای اجتماعی به زوال گرائیده‌اند و ساختارهای اجتماعی نوینی برجای آن بنا گردیده‌اند، برخی قلمروهای سیاسی نابود و برخی قدرتمند و پر وسعت گشته‌اند. در نتیجه‌ی برآیند تقابلات طبقاتی، سوسیالیسم برپا گردید و با نفوذ طبقات غیر پرولتاری، برای لحظه‌ای کوتاه ساختار اجتماعی سوسیالیستی از صحنه تاریخ کنونی جهان رخت بر بست.

رژیم جمهوری اسلامی در نتیجه برآیند تقابلات طبقاتی بر قدرت سیاسی ایران حاکم شد. همه تشکلهای کمونیستی در ایران به علت

«ما کارگران و ما همه مردم دردهای مشترکی داریم، مطالبات ما کارگران جدای از مطالبات مردم و سایر بخش‌ها نیست. بنابراین ضرورت دارد برای رهائی از این شرایط، مبارزات ما در همه بخش‌ها منسجم و متحد به هم گره بخورد. زمینه‌های آن فراهم است و این همگرایی را در اعتراضات هر روز ما کارگران با معلمان، با بازنشستگان و با بخش‌های مختلف جامعه می‌بینیم. دفاع از زندگی و معیشت و داشتن کرامت انسانی حلقه پیوند همه ما کارگران و ما مردم به یکدیگر است... ما همگی همدرد و هم سخن هستیم پس می‌توانیم و باید کنار هم باشیم. هر اندازه که بتوانیم این پیوندها را مستحکم کنیم و سازمان یافته‌تر عمل نماییم، چشم اندازهای پیش رو برجسته‌تر خواهد بود.»

پیروز باد رزم دوران ساز طبقه کارگر علیه سرمایه‌داری
پیروز باد سوسیالیسم
برقرار باد دیکتاتوری پرولتاریا

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما پیوندید

مبارزه طبقاتی درون جنبش کمونیستی

و

مبارزه جهت ایجاد وحدت بزرگ ضد سرمایه‌داری

مبارزه ایدئولوژیک جهت پاکساز جنبش کمونیستی وقفه ناپذیر است

بخش‌هایی از جنبش کمونیستی ایران از بیماری مهلکی رنج می‌برد. این بیماری مهلک چیزی نیست جز تداخل

۱ - مارکس و انگلس - مانیفست حزب کمونیست - بورژواها و پرولتارها

در آن مبارزه مشخص از این شعار دست می‌کشند. در واقع آن‌ها زیر پرچم حکمتیست‌ها (تروتسکیست‌های مخفی) می‌روند و از معیارها و شعارها درست دست می‌کشند.

نویسنده‌ی منحرفی در مقاله‌اش مبارزه زنان را از مبارزه طبقاتی جدا می‌کند و انقلاب ایران را نه انقلاب طبقاتی بلکه انقلاب زنانه ارزیابی می‌کند. وقتی این مقاله مورد انتقاد مارکسیستی قرار گرفت، رفیقی در ایران گفت: حالا موقع سرنگونی است. باید همه متحد شویم. این موضع اپورتونیستی و ضد مارکسیستی است. این رفیق کارگر که در شرافت و پایداری کمونیستی او نمی‌توان شک کرد، به لحاظ ایدئولوژیک در آن لحظه زیر پرچم نویسنده منحرف و اپورتونیست رفته بود. این رفیق در مقابل ایده خرده بورژوازی نسبت به آزادی زنان سر فرود آورده بود. درست این می‌بود که از جانب او این مقاله نقد می‌شد. سرتا پایش افشا می‌گردید و راه را برای ایده مارکسیستی در مورد آزادی زن باز می‌کرد.

هر گونه تزلزلی، هر گونه من و من کردنی، هر گونه کوتاه آمدنی در برابر ایدئولوژی و سیاست‌های خرده بورژوازی خیانت آشکار به مارکسیسم و پرولتاریای انقلابی است. زیرا تکامل آگاهی پرولتاریا را سد می‌کند و آن را زیر پرچم بورژوازی می‌کشاند.

«ما طرفدار مبارزه فعال ایدئولوژیک هستیم، زیرا این مبارزه سلاحی است که وحدت را در درون حزب و سازمان‌های انقلابی به سود پیکار ما تضمین می‌کند. این سلاح را هر کمونیست و هر انقلابی باید به دست گیرد. اما لیبرالیسم مبارزه ایدئولوژیک را رد می‌کند و صلح و آرامش غیر اصولی را توصیه می‌نماید و از این رو موجب پیدایش یک شیوه عمل منحنط و مبتدل می‌گردد و در حزب و سازمان‌های انقلابی بعضی از واحدها و افراد را به فساد سیاسی می‌کشاند.»^۳

تزلزلی در مبارزه‌ی مرگ و زندگی هستند و دمی از آن فرو نمی‌گذارند. برآیند این مبارزه سرنوشت جنبش کمونیستی، جنبش کارگری و جنبش ضد سرمایه‌داری با سمتگیری سوسیالیستی را رقم می‌زند.

مبارزه علیه شیوه تفکر خرده بورژوازی را باید جدی گرفت و قاطعانه علیه تمام تظاهرات متنوع و رنگارنگ آن مبارزه را به سرانجام رسانید.

هیچ مقوله تاکتیکی، سیاسی، استراتژیکی نمی‌تواند و نباید بتواند جلوی انتقاد و مبارزه علیه شیوه تفکر، نرم‌ها و معیارهای خرده بورژوازی در جنبش دموکراتیک و جنبش کمونیستی را بگیرد. مبارزه دائم، سرسختانه و تا به آخر، تنها تضمین‌کننده سلامت جنبش پرولتری و تنها وسیله پاک سازی جاده برای ایجاد حزب است.

«آموزش مارکس خصومت و کینه عظیم تمام علم بورژوازی (چه فرمایشی و چه لیبرال) را، که به مارکسیسم به مثابه چیزی شبیه به یک «طریقت ضاله» می‌نگرد، در تمام جهان متمدن، علیه خود بر می‌انگیزد. روش دیگری هم نمی‌توان انتظار داشت، چه در جامعه‌ی که بنای آن بر مبارزه طبقاتی گذاشته شده است هیچ علم اجتماعی «بی‌غرضی» نمی‌تواند وجود داشته باشد. به هر تقدیر تمام علم فرمایشی و لیبرال، مدافع بردگی مزدوری است و مارکسیسم علیه این بردگی جنگ بی‌امانی را اعلام نموده است. انتظار این که در جامعه‌ی بردگی مزدوری علم بی‌غرض وجود داشته باشد ساده لوحی سفیهانه و در حکم این است که در مسأله‌ی مربوط به افزایش دستمزد کارگران و تقلیل سود سرمایه، از کارخانه‌دار انتظار بی‌غرضی داشته باشیم.»^۲

در جریان مبارزات سال ۱۴۰۰ در اصفهان، تعدادی از مبارزین می‌خواستند شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی ایران» را فریاد بزنند. یک حکمتیست جلوی آن‌ها را می‌گیرد و می‌گوید هنوز برای این شعار زود است. این مبارزین برای حفظ وحدت

چاپ برسانیم، زیرا مناسبات ما با شخص مورد انتقاد گل‌آلود می‌شود. در افکار این رفیق پیشبرد مبارزه طبقاتی تابع حفظ مناسبات آدم‌هاست، در حالی که مارکسیسم به ما می‌آموزد که مناسبات آدم‌ها می‌بایست تابع مبارزه طبقاتی گردد.

زمانی که ما مقاله «سوسیال امپریالیسم چین و مرتضی محیط مرتد» را در کمون شماره ۳ منتشر کردیم، رفیقی از یکی از سازمان‌های کمونیستی گفت: «تحلیل شما درست است ولی او آدم مطرحی است نباید خرابش کرد.» این سبک کار و برخورد مبتدل که ریشه در شیوه تفکر خرده بورژوازی دارد کار را به فساد می‌کشد.

بسیار دیده شده که بعضی از «کمونیست‌ها» منتقدین خود را با بدترین فحاشی‌ها و کثیف‌ترین برچسب‌ها پاسخ گفته‌اند. رفقای سازمانی این به اصطلاح کمونیست‌ها که همه شاهد ماجرا بوده‌اند سکوت کرده‌اند، حنثی بودند و فقط نظاره‌گر. به این ترتیب دریچه سازمان خود را برای ورود چنین شیوه‌های تفکر منحنطی می‌گشایند و امکان نمو و رشد آن را در درون سازمان خود مهیا می‌سازند.

بعضی از کمونیست‌ها دارای کمبودهایی در کارهای سازمانی مثلاً انجام یک کار تکنیکی کوچک هستند. آن‌ها هیچ تلاش مستمری در برطرف کردن کمبود خود نمی‌کنند. این کمبودها می‌تواند کار را به خواباندن فعالیت‌های آن سازمان و یا حزب سوق دهد.

این اندک نمونه‌ها نشان‌دهنده این واقعیت است که شیوه تفکر خرده بورژوازی و معیارهای آن قادر است بسیاری از کمونیست‌ها را استحال کند و از آن‌ها عناصر ضد کمونیست با ردای کمونیستی بسازد.

می‌بینید که مسأله جدی است و لاابالیگری بسیاری از کمونیست‌ها نسبت به اشاعه شیوه تفکر خرده بورژوازی مصیبت‌بار است. بسیاری از کمونیست‌های راستین در تقابل با چنین مفاسدی بدون کوچکترین

۳ - مائو تسه‌دون - آثار منتخب - جلد دوم - علیه لیبرالیسم - صفحه ۳۹

۲ - لنین - سه منبع و سه جزء مارکسیسم - صفحه ۸۱

این مبارزه خیلی سبانه و بی رحمانه است که با روحیه بده بستان و کوتاه آمدن اصلاً جور در نمی‌آید. مبارزه همه جانبه بی وقفه، مادام‌العمر در این جبهه‌ها لازم است تا پرولتاریا هم با بی ثباتی خرده بورژوازی مبارزه نماید و آن را مجبور به همراهی کند و هم از اخلاص و سموم ناشی از وجود آن جلو گیرد.

در هیچ جبهه‌ی واحدی پرولتاریا نمی‌بایست استقلال سیاسی و عملی خود را از دست بدهد و همه چیز را منوط به جبهه واحد کند. شعار همه چیز از طریق جبهه واحد به معنی چشم پوشی پرولتاریا از استقلال عملی و سیاسی در مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی است. مانو تسهدون نیز می‌گوید: «همه چیز از طریق جبهه متحد نادرست است»

نتیجه‌ای که از دو موضوع فوق می‌گیریم این است که:

۱- چه در جنبش کمونیستی و چه در جبهه واحد علیه رژیم سرمایه، مبارزه طبقاتی محور است.

۲- مبارزه طبقاتی در جنبش کمونیستی جهت زدودن تمام و کمال جنبش پرولتری از کثافات ایدئولوژی و سبک کار و شیوه تفکر خرده بورژوازی جهت صاف کردن جاده ایجاد حزب راستین کمونیست ایران است.

۳- مبارزه طبقاتی در ایجاد و طی جبهه متحد جهت مبارزه با تزلزل خرده بورژوازی، مبارزه علیه تلاش آن برای کسب هژمونی جهت ترمز در روند حرکت انقلابی این جبهه است.

در روند مبارزه طبقاتی پرولتاریا دو سیاست مخرب می‌تواند شکست پرولتاریا علیه بورژوازی را باعث گردد

الف- پرولتاریا تنها نیروی انقلابی است لذا احتیاجی به ایجاد جبهه متحد با اقشار و نیروهای دیگر ندارد.

ب- بدون جبهه وسیع پیروزی پرولتاریا ممکن نیست لذا همه چیز از

ساختمان سوسیالیسم با شدت می‌گوشند تا مانع ایجاد چنین جبهه‌ی وسیعی شوند.

لذا پرولتاریا در شرایطی قادر به ایجاد چنین جبهه وسیعی است که با مبارزه‌ی همه جانبه و افشاگرانه، تبلیغات ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی خرده بورژوازی را که سرسختانه با هدف پراکنندگی جنبش کارگری و دیگر اقشار و نیروهای مترقی انجام می‌گیرد، خنثی سازد.

در اپوزیسیون انقلابی و گاه‌چاپ این نظر مبتدل وجود دارد که؛ وظیفه جنبش کمونیستی و انقلابی است که با سازمان‌های خرده بورژوازی مثل نهضت آزادی، جبهه ملی، سازمان چپ و غیره، تماس برقرار کند و با آن‌ها در زمینه‌های سیاسی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران متحد شود. این نظر، جبهه متحد را نه در تطابق با استراتژی پرولتاریا و تاکتیک‌های روزانه متغییر آن بلکه در زد و بندهای سیاسی و طولانی مدت می‌بیند.

ایجاد جبهه متحد، به توان مبارزه متشکل پرولتاریا، به صحت تاکتیک‌های اتخاذ شده برای هر مرحله از پیش برد مبارزه طبقاتی علیه نظام و رژیم سرمایه بستگی دارد. در شرایط صحت تاکتیک‌های پرولتاریا برای یک خواست دمکراتیک و یا استراتژیک، منافع اقشار و طبقات غیر پرولتری در اپوزیسیون به طور لحظه‌ای و گذرا با سیاست‌های تاکتیکی پرولتاریا همخوان می‌گردد. دقیقاً در این شرایط این اقشار، خود، دست به دامان پرولتاریا می‌شوند، برای مقطعی هر چند کوتاه با پرولتاریا در یک جبهه قرار گیرند. روشن است که این جبهه شکننده، زودگذر و ناپایدار خواهد بود. و این مسأله تا سرنگونی ساختار سرمایه‌داری تکرار خواهد شد. در این گونه جبهه واحدها، خرده بورژوازی سعی خواهد کرد که هژمونی را از کف پرولتاریا خارج و خود در رأس جنبش قرار گیرد و خصلت پرولتری آن را نابود سازد.

«مادام که افراد یاد نگیرند در پس هر یک از جملات، اظهارات و وعده و وعیده‌های اخلاقی، دینی، سیاسی و اجتماعی منافع طبقات مختلف را جستجو کنند - در سیاست همواره قربانی سفیهانه‌ی فریب و خود فریبی بود و خواهند بود.»^۴ (لنین - سه منبع و سه جزء مارکسیسم - صفحه ۸۷) «طبقه استثمار شونده و ستمکش (پرولتاریا) نمی‌تواند از یوغ طبقه‌ی استثمارگر و ستمگر (بورژوازی) برهد، مگر آن که در عین حال تمام جامعه را برای همیشه از استثمار، از ستم و از مبارزه طبقاتی برهاند.» (مارکس و انگلس - مانیفست حزب کمونیست - پیشگفتار چاپ آلمانی ۱۸۸۳)

و این وظیفه‌ی رهاندن از همین لحظه شروع می‌شود. از لحظه‌ی که یک کمونیست بتواند فکر کارگر و یا کارگرانی را نسبت به معیارهای مارکسیستی که در تقابل با معیارهای بورژوازی و خرده بورژوازی قرار دارد، تکامل دهد. از لحظه‌ای که یک مارکسیست بتواند ایدئولوژی خرده بورژوازی را که با ظاهری مارکسیستی تزئین شده است، در مقابل کارگران و زحمتکشان افشا کند، رها شدن بشریت از مبارزه طبقاتی آغاز می‌شود.

۲- ایجاد وسیع‌ترین جبهه از کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی علیه نظام و ساختار سرمایه‌داری و دولت آن.

مبارزه جهت ایجاد وسیع‌ترین جبهه متحد علیه نظام سرمایه‌داری و دولت حامی آن، شکل ویژه‌ایست از مبارزه طبقاتی پرولتاریا علیه بورژوازی. زیرا پیشروان پرولتاریا فقط و تنها با بسیج وسیع‌ترین اقشار پرولتاریا، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی، قادرند نظام سرمایه‌داری را سرنگون کنند..

بورژوازی و خرده بورژوازی به ویژه در ردای چپ، جهت جلوگیری از

۴- لینن - سه منبع و سه جزء مارکسیسم - صفحه ۸۷

امپریالیستی و امپریالیسم آمریکا هر دو آشکارا اظهار میدارند که "تاکتیکی" از سلاح های اتمی با قدرت اندک، استفاده می کنند. این مقیاس نامشخص، به معنی وخامت ویرانگری و مرگ انسان های بیشماری است.

ناتو و امپریالیسم آمریکا نفت بر روی آتش می پاشند.

در نشست سران ناتو در 24 مارس مصوبه‌یی به مورد اجرا گذارده شد، که اروپای شرقی به بالاترین سلاح های تهاجمی مجهز گردد. به این منظور نیروهای جنگنده در اسلواکی، مجارستان، بلغارستان و رومانی مستقر خواهند شد. آنها باید همانند کشورهای تا کنون مجهز شده‌ی لهستان، لیتوان، لیتوانی و ایستلند استقرار یافته و هر یک به تیپ های 10000 نفری افزایش یابند. همچنین نیروی دفاعی هوای و دریایی نیز افزایش می یابند. این گسترش تسلیحاتی، به همراه هواپیما، سیستم های دفاعی، زیردریایی و گروه های ضربت دریایی از طرف ناتو، آگاهانه بر خلاف توافق اساسی سال 1997 ناتو - روسیه و همچنین نادیده گرفتن توافق بر عدم حضور نیروی بزرگتر در اتحاد کشورهای اروپای شرقی است.

اعتراضات بین المللی

به طور مشخص در روز اعتراض "جمعه ها برای آینده" در 25 مارس که در حدود 90 شهر برگزار گردید، فراخوان علیه جنگ در اکرانین صادر شد. در این میان پس از توضیح کنفرانس بین المللی معدنچیان، قطعنامه کارگران کارخانه فورد علیه جنگ در اکرانین بسیار پر معنی بود. آنان خواستار آن شده اند که: " در اعتراضات کارخانجات و اتحادیه های کارگری تا حد اعتصاب خود را سازمان دهید. برای تقویت جنبش صلح طلبانه در سطح بین المللی علیه امپریالیسم به آن بپیوندید."

همچنین در فراخوان شورای هماهنگی - مشورتی بین المللی کارگران بنادر هلند و آلمان آمده است: "دست ها از اوکراین کوتاه، همبستگی کارگری علیه جنگ ناعادلانه".

کا. اس. آر. دی اکرانین در گزارشی نوشته است: "از روزهای نخست به کمک کارگران شتافتیم و با آنان برای

اکرانین: فعالیت پایدار علیه تهدید جنگ جهانی را شدت بخشیم

پنج هفته پس از حمله وحشیانه کشور نو امپریالیستی روسیه به اکرانین میگذرد و همچنان جنگ بربرمنشانه ادامه دارد.



در گزارش "شورای هماهنگ کننده جنبش کارگری اکرانین" (کا. اس. آر. دی). آمده است: "یک سلسله از شهرهای بزرگ از طرف پوتین فاشیست، دائماً مورد تهاجم قرار می گیرد، از جمله کیف، چرنوخیو، سامی و خارکف و در شهر محاصره شده ماریوپل فجایع انسانی در حال وقوع است." "مواد خوراکی و نوشیدنی یافت نمی شود و پیکر مردگان در خیابان ها به جا مانده است." موج مهاجرت به مرز چهار میلیون رسیده است!

ناشی از جنگ روانی طولانی امپریالیستی از هر دو طرف، روسیه و اکرانین، ناتو و امپریالیسم آمریکا و جمهوری فدرال آلمان، ارزیابی چگونگی روند جنگ، مسئله بغرنجی است. حقیقت این است که پیشروی روسیه در حال بازدارندگی است. به دلیل مقاومت ارتش مجهز شده توسط ناتو و شرکت تعداد وسیعی اکرانینی در جنگ. تلفات ارتش روسیه بیشتر از اطلاعات رسمی منتقل شده است. در بسیاری از شهرها جهت جلوگیری از پیشروی احتمالی نیروهای روسی، سنگربندی شده است.

در گزارش 20 مارس کا. اس. آر. دی آمده است:

" بسیاری از مردم صلح طلب، کاملاً با سنت پارتیزان های سرخ در جنگ بزرگ میهنی جهت دفاع از سرزمین پدری، برای انتقام از نیروهای پوتین مجهز شده اند."

فرماندهی ناتو، طرف روسی را متهم میکند که برخلاف قوانین بین المللی از سلاح های بیولوژیکی و شیمیایی استفاده می کند. او اما همین این فرماندهی برای دفاع از خودش "عناصر دفاعی"، همراه نیروهای متحد خود در اروپای شرقی، به چتر حفاظتی سلاح های اتمی، بیولوژیکی و شیمیایی متصل شده است. روسیه نو

طریق وحدت با اقشار غیر پرولتری و از دست دادن استقلال عمل

در نتیجه مبارزه طبقاتی علیه این دو انحراف، نه تنها محور است، بلکه همچنین نیروی حیاتی در پیش برد سیاست و تاکتیک های طبقاتی و اجتماعی پرولتاریا علیه بورژوازی و سمت گیری سوسیالیستی است.

از این دیدگاه هرگونه کوتاه آمدن در مقابل تظاهر ایدئولوژیک و سیاسی خرده بورژوازی که به صورت انواع مواضع اپورتونیستی ظاهر میشود، خیانت آگاهانه و آشکار به منافع پرولتاریا و همراهی با خرده بورژوازی در پراکندگی جنبش کمونیستی و پرولتری و عدم ایجاد جبهه متحدی است که پرولتاریا در رهبری آن باشد.

امروزه که بحران ایدئولوژیک، اقتصادی و سیاسی بورژوازی امپریالیستی کاملاً برملا گشته و خود بدان اقرار دارند، و جنبش های اجتماعی گرایش روز افزون به چپ از خود بروز می دهند، اپورتونیزم برای انحراف طبقه کارگر و جنبش های مردمی از مبارزه طبقاتی و سوسیالیسم علمی، فعال گردیده است.

شکل مشخص تظاهر این اپورتونیزم خطرناک، که منافع استراتژیک و تاکتیکی پرولتاریا را در خدمت منافع کاذب و لحظه ای خود می گیرد و یا آن را فراموش می کند، فدا کردن و قربانی نمودن فعالیت همه جانبه و مبارزه ایدئولوژیک فعال جهت ایجاد حزب کمونیست راستین سرتاسری ایران در خدمت منافع لحظه ای و کاذب سازمان، حزب و یا گروه خود است.



حزب کمونیست راستین
ایران شکل سازمانی ایدئولوژی و
پرولتاریاست

کرده‌ام. خیلی هم کند کار می‌کند. می‌دانید که در ایران اینترنت خیلی ضعیف است. دوست داشتم با رفقا و دوستان چپ و کمونیستی که می‌شناسم تماسی داشته باشم. بعضی وقت‌ها با عکس و بعضی وقت‌ها بی عکس. از آن‌ها خواهش کرده‌ام که بعضی نوشته‌های تبلیغاتی‌شان را برایم بفرستند. از آن روز به بعد مایل من مرتب پر می‌شود از همه چیز. واتس آپ من شده مثل دکان خنزر پنزری. از تبلیغات خرده بورژوازی برای خودش تا فیلم‌های دست ساز جعل شده از جانب رژیم و اندکی تبلیغات سیاسی کمونیستی.

من واقعاً سر در نمی‌آورم. من شنیده بودم که هر طبقه‌ای برای خودش، برای ایدئولوژی و سیاست خودش تبلیغ می‌کند. ولی از قرار معلوم بعضی کمونیست‌ها بدون این که از خرده بورژوازی و بورژوازی مواجب بگیرند برای آن‌ها تبلیغ می‌کنند. تلفنی به یکی از این‌ها گفتم چرا بیشتر چیزهای غیر کمونیستی می‌فرستی؟ گفت: آدم باید از همه چیز اطلاع پیدا کند. از ای جواب من بیشتر شاخ در آورم.

به او گفتم: خرده بورژوازی و سرمایه‌داری خودش با تبلیغاتش ما را از همه چیزهای خودش مطلع می‌کند. چرا تو و امثال تو برایش زحمت میکشید. گفت: «یکجانبه‌گری خوب نیست.» من در آن لحظه بی اختیار شروع کردم به قهقهه زدن ولی الان که این‌ها را برای شما می‌نویسم دلم می‌خواهد از غصه و حماقت او اشک بریزم.

امیدوارم شما چنین اشتباهی نکنید.

با آرزوی سلامتی برایتان
دوست شما نگار

گل صبح

از درون شب تار، می شکوفد گل صبح

خنده بر لب، گل خورشید کند، جلوه بر کوه بلند

نیست تردید زمستان گذرد

وز پیاپی اش پیک بهار

با هزاران گل سرخ

تضادهای طبقاتی در ایران بشدت حاد شده و سرعت رو به افزایش است، بحدی که جنبش مطالبات و معشیتی کارگران فکری و یدی، امروزه به جنبش مبارزاتی - سیاسی ارتقاء یافته است. تضادهای درونی حاکمین نیز بغایت حاد شده و کار به آخوند کشی و حتی خود کشی در میان نیروهای سرکوبگرش کشیده است. با این اوصاف اظهر منالشمس، اتاق فکر باند مآلفه فاشیست از مدتی پیش اعمال سیاست احمقانه راسیستی‌پی را علیه هم طبقه‌های شریف و زحمتکش افغان آغاز شده است. در این اواخر بدلیل اوج گیری سریع مبارزات طبقاتی در جامعه سرمایه زده ایران حاکمین برای سر شکن کردن شکست‌هاشان تمامی اقدامات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ارتجاعی خود را بر علیه کارگران افغان متمرکز کرده و به دستگیری، زندانی کردن و ضرب و ستم و اخراج آن‌ها در سطحی وسیع مبادرت کرده است.

درچنین شرایطی وظیفه‌ی انقلابی نیروهای پیشرو و مبارز علیه حاکمیت بورژوازی اسلامی حکم میکند پرچم مبارزه علیه این سیاست راسیستی فاشیست‌های وطنی را در عرصه پروپاگاندا و اطلاع رسانی و عملی هرچه بیشتر بر افراشته نگهدارند. رفقا پیروزی قطعا از آن ماست .
آوانس

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما پیوندید

نامه‌ای از دور

دوستان عزیز سلام. خسته نباشید! خیلی حرف دارم براتان بزنم اما شاید خسته شوید، فقط یک مسأله خیلی مرا به خود مشغول کرده واقعاً نمی‌دانم با آن چه کنم. هر چه به خودم فشار می‌آورم از آن سر در نمی‌آورم. یعنی منطق آن را نمی‌فهمم. مدتی است که من در مایل خودم واتس آپ را پیاده

کمک‌های متقابل، گروه‌های شهروندی را سازمان دادیم. علاوه بر این تعداد بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌های متعددی که فعالیت‌های کاری‌شان متوقف شده، باعث شده است که کارگران آنان بدون منبع درآمد بمانند. این دسته افراد در اولیت کمک‌های ما قرار دارند." این توضیحات با لغت‌های زیرین پایان می‌پذیرد. "مرگ بر امپریالیسم! ارمغان جنگ‌های امپریالیستی برای مردم جهان چیزی جز رنج، اندوه و مرگ نیست."

نویسنده: Joachim Griesbaum

منتشر شده در:

Rote Fahne - Nr.: 7 - 05.05.2022

ارتباط با ما

coiran21@gmail.com

در صورت توافق با این خط مشی، با سازماندهی هسته‌های مخفی به ما پیوندید

نامه یک رفیق کارگر

رفقای همدرد و مهربان و انقلابی‌ام! اول ماه مه روز جهانی کارگر را به تمامی رفقای کمون تیریک می‌گویم و اگر نفسی را در جامعه ستم کشیده خون آلود از ستم سرمایه دمو باز دم میکنم حضور شما و رزم تان برای ایجاد جهانی برابر و عاری از جنگ و ستم طبقاتی است
گرامی باد روز جهانی کارگر
برخیز...برخیز ای داغ لعنت خورده
...برخیز

جهان یکسر خونابه شد

برخیز

زنده سوسیالیسم

پیروز باشد

آوانس

ما هم اول ماه مه، روز جهانی طبقه کارگر را به تو و همه کارگران تیریک می‌گوئیم و برایتان در مبارزه علیه رژیم سرمایه‌داری دد منش و جنایت کار ایران موفقیت آرزو می‌کنیم.

رفقای عزیز!

رژیم آخوندی اخیرا دست به ترفندی احمقانه زده است.



آسمان غرق ستاره است و لیک
 آسمان غرق ستاره است هنوز
 خوشه‌ها بسته ستاره گل گل
 خوشه‌ی اختر سرخ
 با تپش‌های سترگ
 عاقبت کوره‌ی خورشید گدازان گردد.

«سعید سلطانیپور»

بی‌گمان می‌آید
 در گذرگاه شب تار، به دروازه‌ی نور
 گل مینای جوان
 خون بیفشانده تمام
 روی دیوار زمان
 لاله‌ها نیز نهادند به دل، همگی داغ
 سیاه
 گرچه شب هست هنوز، با سیه‌چنگ
 بر این بام آونگ

پرولتاریای جهان متحد شوی!

پرولتاریا، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!

حزب کمونیست راستین ایران را در پیوند جنبش کمونیستی با طبقه کارگر سازمان دهیم!

در جهت ایجاد حزب کمونیست راستین ایران، رویزیونیسم و تروتسکیسم را افشا کنیم

دغل‌کاری خرده بورژوازی را از صفوف خود بزدانیم